



امویان در ظاهر مسلمان بودند/ مبارزه با ظلم با فطرت سازگار است

آیت الله جوادی آملی در جلسه درس اخلاق گفت: مبارزه با ظلم با آن فطرت و جوهره اساسی ما سازگار است. انسان با ظلم هماهنگ نیست با تبعیض هماهنگ نیست، لذا مبارزه می کند.

آیت الله جوادی آملی در جلسه درس اخلاق گفت: مبارزه با ظلم با آن فطرت و جوهره اساسی ما سازگار است. انسان با ظلم هماهنگ نیست با تبعیض هماهنگ نیست، لذا مبارزه می کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در جلسه درس اخلاق هفتگی خود که بعد از اقامه نماز ظهر و عصر در نمازخانه مسجد احمدآباد شهرستان دماوند برگزار می شود با اشاره به فرا رسیدن ایام ماه محرم و سوگواری سید و سالار شهیدان (ع)، به ماندگاری تاریخی حادثه کربلا اشاره کرد و بیان داشت: هر چند جریان کربلا در ظاهر در مقابل بسیاری از حوادث و جنایت های دیگر تاریخ یک حادثه کوچکی بود؛ شما وقتی تاریخ جهانگشای جویی را که معاصر با مغول بود می خوانید، می بینید مغول ها ده ها و صدها برابر بیشتر از کربلا جنایت و بی رحمی کردند ولی نام این کشته ها خاک می خورد، اما وقتی اربعین حسینی می شود بیست میلیون پابرهنگه به سمت کربلا راه می روند، این یک بارگاه ملکوتی است، این حساب دیگری است، مگر حسین بن علی (ع) برای دنیا جنگید؟ او برای ابد یعنی آنجا که نه سال دارد نه ماه، نه تاریخ دارد نه جغرافیا، نه آسمان دارد نه زمین و فوق همه اینهاست، جنگید.

وی ادامه داد: شما جریان اموی را قبل از جریان کربلا بررسی کنید، این جریان اموی یعنی معاویه و همچنین پدرش اباسفیان تا فتح مکه کافر بودند بعد هم منافق شدند، یک بیان نورانی حضرت امیر دارد که می فرماید «مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسْلَمُوا» اینها ظاهراً اسلام آوردند ولی مسلمان نشدند. اینها از هر نظر در برابر مکتب ایستادند، گاهی قرآن را بالای نیزه کردند، گاهی قرآن را معاذ الله متهم به تحریف کردند، حدیث نویسی را هم منع کردند، تلاش و کوشش شان این بود که با دسیسه ها حدیث گفته نشود، بعد جوایزی هم به مناسبت های جعلی توزیع می کردند، این جوایزشان به عنوان دین فروشی بود، تا دین افراد را بخرند! یک وقتی مؤذن بالای مأذنه نام مبارک رسول خدا را در اذان برد، معاویه گفت تا این نام زنده است ما نمی توانیم حکومت کنیم! با این نام خواستند بجنگند، پس هدف آنها این بود. در چنین شرایطی حسین بن علی (ع) قیام کرد، فرمود: «مثلی لا یبایع مثل یزید بن معاویه» یعنی هر کس مثل من فکر می کند زیر بار این حکومت نمی رود. نگفت من زیر بار نمی روم، نفرمود «أنا لا یبایع» فرمود: «مثلی» کسی که مانند من آزاداندیش است، عدل محور است، عقل مدار است، هرگز حکومت اموی را امضا نمی کند «مثلی لا یبایع مثل معاویه».

این مفسر قرآن در ادامه گفت: بنابراین سخن در این نیست که حسین بن علی فقط برای اینکه با یزید بیعت نکند قیام کرد نه خیر!، آنها با مکتب از هر منظری در افتادند هم با قرآن، هم با سنت، هم با عقیده مردم و حسین بن علی قیام کرد و دین را زنده کرد. در دم دروازه شام کسی از زین العابدین (ع) سؤال کرد در این صحنه چه کسی پیروز شد؟ فرمود ما «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَنْ غَلَبَ، وَ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ، فَأَدِّنْ ثُمَّ أَقِمْ»؛ اگر خواستی بفهمی در این صحنه چه کسی پیروز شد در حالی که ابدان طیب و طاهر، پاره پاره آنجا افتاده، فرمود ما پیروز شدیم، فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَنْ غَلَبَ، وَ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ، فَأَدِّنْ ثُمَّ أَقِمْ»؛ موقع نماز اذان و اقامه بگو بین نام چه کسی را می بری؟ ما رفتیم این نام را زنده کردیم و برگشتیم. این نام می ماند چون با فطرت سازگار است، با ساختار نظام هستی سازگار است.

آیت الله جوادی آملی در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: شخصی نامه ای برای حسین بن علی (سلام الله علیه) نوشت عرض کرد «عِظْنِي وَ أَوْجِزْ» مرا موعظه کن، ولی مختصر، حضرت هم یک سطر مرقوم فرمودند: «من حاول أمراً بمعصية الله كان أفوطل لما يرجوا و أسرع لمجىء ما يحذر»؛ فرمود تو که موعظه خواستی بدان هرگز هدف، وسیله را توجیه نمی کنی! از راه حرام نمی شود به مقصد رسید، از راه باطل نمی شود به مقصد صحیح رسید، حسین بن علی آن فکر را که می گوید هدف، وسیله را توجیه می کند باطل می کند می گوید هرگز از راه بد به مقصد نمی شود رسید. این بیان حسین بن علی است. بعد فرمود: «لا أعطیکم بیدی اعطا الذلیل و لا أفرّ فرار العبید» من قیام کردم توقع داشته باشید که با دست خودم آن اوراق شما را امضا کنم این طور نیست، با دست خودم، دست مذلت به شما بدهم این چنین نیست، فرار هم نمی کنم! منم و این میدان. این فکر برای همیشه می ماند، این فکر با آن فطرت ما با آن جوهره اساسی ما سازگار است. انسان با ظلم هماهنگ نیست با تبعیض هماهنگ نیست، لذا مبارزه می کند.

آیت الله جوادی آملی تأکید کرد: بنابراین جریان کربلا وقتی روشن می شود و وظیفه ما وقتی مبین می شود که بدانیم امویان در چه حد کار می کردند؛ الآن هم بیگانه و این استکبار تا چه حد در تلاش و کوشش است که خدای ناکرده به

نظام اسلامی آسیب برساند، وظیفه همه ما این است که زیر بار این ستم نرویم، چون حضرت فرمود مثل من زیر بار ستم نمی رود. این کشور شایسته، سالیان متمادی تحت رنج و فشار و مظلومیت بود الآن به برکت اسلامی دارد رشد می کند، کاری به کار کسی هم ندارد، به هیچ جا هم قصد حمله ندارد منتها کسی قدرت حمله به ایران را نیز ندارد، در بخش هایی از سوره مبارکه توبه فرمود: ﴿وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾ یعنی طرزی زندگی کنید که دشمن بداند که نمی تواند به شما حمله کند، این بر همه ما واجب است، حالا یا موشک است یا غیرموشک به استثنای سلاح های ممنوع، فرمود طرزی زندگی کنید که بیگانه هوس حمله نکند همین، شما که قصد حمله ندارید اما آنها حتماً باید در شما قدرت را احساس کنند.